فصلنامه حقوق اداری
سال سیزدهم، پائیز ۱۴۰۴، شماره ۴۴
مقاله علمی پژوهشی

مطالعه تطبیقی مشروعیت حقوقی تصمیمات الگوریتمی در دولت‌های دیجیتال با تمرکز بر تجربه حقوقی ایران

محمد قاسم تنگستانی[۱]، مهدی مرادی برلیان[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۲

چکیده

در دهه‌های اخیر، بسیاری از دولت‌ها با بهره‌گیری از فناوری‌های داده‌محور و سامانه‌های هوش مصنوعی، به سوی دیجیتالی‌سازی فرایندهای اداری و استفاده از الگوریتم‌ها در پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های عمومی گام برداشته‌اند. این تحول فناورانه، اگرچه با هدف افزایش کارآمدی و تسریع در ارائه خدمات عمومی انجام شده است، اما پرسش‌های بنیادینی را درباره مشروعیت حقوقی تصمیماتی که بر اساس تحلیل داده و منطق الگوریتمی اتخاذ می‌شوند، برانگیخته است. در غیاب شفافیت کامل و امکان بازنگری انسانی، چگونه می‌توان چنین تصمیماتی را واجد اعتبار حقوقی و منطبق با اصول کرامت انسانی دانست؟ پژوهش حاضر با تمرکز بر سه مؤلفه بنیادین مشروعیت در حقوق عمومی شامل شفافیت، امکان نظارت و بازنگری انسانی و رعایت کرامت انسانی، تلاش می‌کند نسبت مشروعیت و تصمیمات داده‌محور را در بستر دولت دیجیتال تبیین کند. ضمن مطالعه تطبیقی نظام‌های فرانسه، آلمان و اتحادیه اروپا، مقاله نشان می‌دهد که مشروعیت تصمیمات الگوریتمی نه در ذات فناوری، بلکه در نحوه تنظیم‌گری و تضمین پاسخ‌گویی حقوقی پیرامون آن‌ها تحقق می‌یابد. در بخش نهایی، وضعیت نظام حقوقی ایران در مرحله‌ی گذار از دولت الکترونیک به دولت داده‌محور بررسی شده و مجموعه‌ای از راهکارهای تقنینی، نهادی و فرهنگی برای تضمین مشروعیت تصمیمات هوشمند در چارچوب اصول حقوق عمومی ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مشروعیت حقوقی، تصمیمات الگوریتمی، دولت دیجیتال، شفافیت، نظارت، کرامت انسانی، هوش مصنوعی

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران: ایران (نویسنده مسئول).

m.tangestani@khu.ac.ir

۲. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر: ایران.

m.moradib@umz.ac.ir

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

مقدمه

دگرگونی بنیادین در ساختارهای تصمیم‌گیری اداری، به‌ویژه در بسترهای دیجیتالی‌شده دولت‌های معاصر، چالش‌های نظری و عملی را در برابر دانش حقوق، به‌ویژه حقوق عمومی، قرار داده است. ورود سامانه‌های داده‌محور و الگوریتم‌های هوشمند به فرایندهای تصمیم‌سازی، دیگر صرفاً در حد بهره‌گیری از ابزارهای فناورانه برای تسریع امور اداری باقی نمانده، بلکه نشانه‌ای از گذار تدریجی دولت‌ها از تصمیم انسانیِ مبتنی بر قضاوت اداری، به تصمیم داده‌محور و الگوریتمی است. این تحول، اگرچه هنوز در بسیاری کشورها جایگزین کامل انسان نشده است، اما پیامدهای حقوقی آن بر مشروعیت، پاسخ‌گویی و کرامت انسانی از همین سطح آغاز می‌شود.

در عرصه تحلیلی حقوق عمومی، مشروعیت مفهومی صرفاً شکلی یا تکنیکی نیست؛ بلکه در دولت‌های قانون‌مدار، همواره ترکیبی از بنیادهای هنجاری، فرآیندهای قانونی و ضمانت‌های کرامت‌محور بوده است. در جهان امروز، تصمیم‌گیری از سوی سامانه‌های هوشمند، نه‌فقط چالش‌هایی را برای سازوکارهای شکلی حقوق اداری، بلکه پرسشی عمیق درباره نسبت اقتدار و انسان در دولت مدرن ایجاد کرده است. هنگامی‌که سامانه‌ای هوشمند، با تکیه بر داده‌های بزرگ و منطق‌های یادگیری ماشین، اطلاعات متقاضیان را تحلیل و خروجی تصمیم را برای مقام اداری تولید می‌کند، پرسش این است که مشروعیت نهایی چنین تصمیمی از کجا برمی‌خیزد؟ اگر تصمیم نهایی تابع منطق آماری سامانه است، شهروند در برابر آن چه حقوقی دارد؟ آیا می‌تواند به مبانی این تصمیم اعتراض کند یا از منطق آن آگاه شود؟

در جمهوری اسلامی ایران نیز، هرچند فرآیند دیجیتالی‌سازی دولت طی سال‌های اخیر شتاب گرفته و در قالب سامانه‌هایی همچون *پایگاه رفاه ایرانیان*، *سامانه مالیاتی*، *درگاه ملی مجوزها* و *سامانه جامع تجارت* جلوه یافته است، اما این وضعیت را هنوز نمی‌توان به معنای «دولت‌سازی دیجیتال» دانست. آنچه تاکنون تحقق یافته، به‌کارگیری هوش مصنوعی در سطح دستیار تصمیم است؛ یعنی الگوریتم‌ها داده‌ها را تحلیل کرده و مسیر تصمیم‌گیری را برای مقام انسانی آماده می‌سازند، اما هنوز جایگزین اراده و مسئولیت انسانی نشده‌اند. بااین‌حال، حتی در همین سطح نیز، خلأ چارچوب‌های قانونی برای ارزیابی مشروعیت، شفافیت و کرامت انسانی محسوس است. فقدان ضوابط روشن درباره افشای منطق تصمیمات، امکان بازنگری انسانی و حق اعتراض شهروندان، می‌تواند به تدریج مفاهیمی همچون دادرسی منصفانه، حق دادخواهی و پاسخ‌گویی اداری را با چالش مواجه سازد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

مقاله حاضر با تکیه بر رویکردی تحلیلی-تطبیقی، در پی آن است که نسبت میان مشروعیت حقوقی و تصمیمات الگوریتمی را در بستر دولت دیجیتال، در سه سطح مفهومی، نظری و نهادی بررسی کند. پرسش محوری مقاله آن است که آیا تصمیماتی که به‌وسیله سامانه‌های هوشمند در فرایندهای اداری اتخاذ یا پشتیبانی می‌شوند، از منظر اصول حقوق عمومی واجد مشروعیت حقوقی‌اند؟ اگر آری، چه شرایطی برای مشروعیت آن‌ها ضرورت دارد؟ بر این اساس، فرضیه مقاله چنین است که مشروعیت حقوقی تصمیمات الگوریتمی، تنها در صورتی قابل‌دفاع است که این تصمیمات خواه در مقام تصمیم‌یار یا تصمیم‌گیر، در چارچوبی تنظیم‌گرانه و با رعایت اصول شفافیت، امکان بازنگری انسانی و تضمین کرامت انسانی انجام شوند؛ در غیر این صورت، حتی اگر از نظر شکلی با قانون منطبق باشند، از بنیاد مشروعیت تهی خواهند بود. مقاله در ادامه، با تحلیل نظریه‌های مشروعیت در حقوق عمومی، بررسی تطبیقی نظام‌های فرانسه، آلمان و اتحادیه اروپا و آسیب‌شناسی وضعیت حقوقی ایران، می‌کوشد الگوی تقنینی و نهادی متناسب با مشروعیت در دولت دیجیتال را پیشنهاد کند.

۱. پیشینه‌کاوی: مرور تحلیلی ادبیات خارجی و داخلی

مسئله تصمیم‌گیری الگوریتمی در بستر دولت دیجیتال، به‌رغم نوپدید بودن مفهومی آن، به‌سرعت در کانون مطالعات حقوقی، فناوری اطلاعات و سیاست‌گذاری عمومی جای گرفته است. با این‌حال، آنچه در این میان برجسته می‌نماید، فقدان انسجام مفهومی، پراکندگی گفتمانی و گاه تقلیل موضوع به صرف دغدغه‌های فنی یا اخلاقی است. این در حالی‌ست که مشروعیت، به‌مثابه مفهومی حقوقی و هنجاری، فراتر از کارآمدی تکنولوژیک یا اصول اخلاقی عام قرار می‌گیرد و مستقیماً به بنیان‌های حقوق عمومی و نظریه دولت گره می‌خورد. از این منظر، بازخوانی نقادانه پیشینه موجود، نه در مقام فهرست‌سازی، بلکه با هدف تشخیص خلأها، تقلیل‌گرایی‌ها و نیز یافتن نقاط ورود نظری به موضوع، ضروری است.

۱-۱. ادبیات خارجی

در ادبیات انگلیسی‌زبان، بخش بزرگی از آثار نخستین درباره هوش مصنوعی و تصمیمات خودکار، از زاویه اخلاق فناوری یا مخاطرات اجتماعی آن نگاشته شده‌اند. آثار شاخصی همچون کتاب «خودکارسازی نابرابری»،[1] بر پیامدهای تبعیض‌آمیز سامانه‌های خودکار بر اقشار محروم تمرکز شده است؛ بی‌آنکه به امکان بازطراحی حقوقی این سامانه‌ها بپردازد. اونیل[2] نیز در اثر «سلاح‌های تخریب ریاضی»[3] بیشتر از

1. Automating Inequality
2. O’Neil

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

منظر «افسانه بی‌طرفی داده» به افشای کارکردهای قدرت‌مندی الگوریتم‌های ظاهراً خنثی می‌پردازد. این رویکردها، هرچند در شناخت ریشه‌های بحران مؤثرند، اما فاقد چارچوب تحلیلی برای پاسخ به پرسش‌های حقوق عمومی درباره مشروعیت‌اند.

در مقابل، رویکردهای حقوقی اخیر، کوشیده‌اند نسبت میان تصمیمات خودکار و اصول بنیادین حقوق عمومی را مفهوم‌پردازی کنند. هیلدبرانت[1] در اثر تأثیرگذار خود، «قانون برای دانشمندان کامپیوتر و سایر افراد»،[2] پیشنهاد می‌دهد که باید الگوریتم را نه صرفاً به‌عنوان یک پدیده فنی، بلکه به‌مثابه سازوکاری حاکمیتی بازشناخت؛ چراکه در بسیاری موارد، الگوریتم جای دولت را در تصمیم‌گیری می‌گیرد. از همین‌رو، وی بر ضرورت تعریف چارچوب‌های پاسخ‌گویی حقوقی برای تصمیمات خودکار تأکید می‌ورزد.

مطالعات ویل و ادواردز[3] در مقاله خود[4] به نقد ماده ۲۲ مقررات عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا (GDPR) پرداخته و نشان می‌دهد که صرف قائل‌شدن به «حق اعتراض» نسبت به تصمیمات خودکار، بدون نهادینه‌سازی سازوکارهای بازنگری و شفافیت الگوریتمی، ناکافی است. از منظر آن‌ها، مشروعیت در حکمرانی الگوریتمی نیازمند تلفیق قابلیت توضیح‌پذیری، نظارت انسانی و تضمین حقوق بنیادین است.

از سوی دیگر، ویش‌مایر و رادماکر[5] در مجموعه مقالات خود درباره حکمرانی الگوریتمی، تلاش کرده‌اند الگوریتم را نه‌فقط به‌مثابه ابزار، بلکه به‌مثابه «فاعل حقوقی نوظهور» تحلیل کنند که می‌تواند مسئولیت حقوقی بر عهده گیرد. این نگاه، امکان نظری تحلیل مشروعیت الگوریتم‌ها را فراهم می‌سازد، هرچند در عمل هنوز چارچوب‌های تقنینی روشنی برای تحقق آن ارائه نشده است.

در نهایت، پژوهش کالو و سیترون[6] با عنوان «دولت اداری خودکار»[7] از معدود آثاری است که مستقیماً به نسبت میان الگوریتم و دولت اداری می‌پردازد. آنان با نقد بنیادین بر تحول ماهوی در ساختار دولت، استدلال می‌کنند که «اداره خودکار» می‌تواند اصول دادرسی منصفانه، شفافیت و برابری را

---

3. Weapons of Math Destruction
1. Hildebrandt
2. Law for Computer Scientists and Other Folk
3. Veale & Edwards
4. Clarity, Surprises and Further Questions in the GDPR's Approach to Automated Decision-Making
5. Wischmeyer & Rademacher
6. Calo & Citron
7. The Automated Administrative State

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

به‌شدت تهدید کند، مگر آنکه قانون‌گذار با هوشمندی به نهادینه‌سازی نظارت و مسئولیت‌پذیری در این حوزه بپردازد.

جمع‌بندی این ادبیات نشان می‌دهد که اگرچه تلاش‌هایی در سطح مفهومی برای واکاوی نسبت الگوریتم و مشروعیت صورت گرفته، اما عمده آثار موجود یا در سطح توصیف مخاطرات اخلاقی باقی مانده‌اند، یا به‌جای تمرکز بر بنیان‌های حقوق عمومی مشروعیت، به راه‌حل‌های فناورانه بسنده کرده‌اند. خلأ موجود، فقدان مدل نظری حقوقی برای سنجش مشروعیت تصمیمات الگوریتمی از منظر دولت قانون‌مدار و نیز بررسی تطبیقی نهادهای تقنینی در پاسخ به این چالش است.

۱-۲. ادبیات داخلی

در ادبیات حقوقی ایران، بررسی نسبت حقوق عمومی و تصمیمات ماشینی، هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد. بیشتر مقالات موجود، از منظر حقوق خصوصی یا کیفری به مسئله هوش مصنوعی نگریسته‌اند و تمرکز آن‌ها بر مسئولیت مدنی یا کیفری ماشین است، نه نسبت اقتدار عمومی و مشروعیت تصمیمات اداری. در این میان، تنها معدود پژوهش‌هایی کوشیده‌اند در بستر دولت الکترونیک و حقوق اداری، به چالش‌های نهادینه‌سازی الگوریتم در ساختار بوروکراتیک ایران بپردازند؛ از جمله می‌توان به مقاله «الگوریتم و حقوق اداری؛ چالش‌ها و راهکارها» (مرادی برلیان و تنگستانی، ۱۴۰۲) اشاره کرد که تلاش دارد مفهوم تصمیم‌گیری ماشینی را در بستر نظریه‌های اقتدار و کرامت انسانی بازخوانی کرده و نسبت آن را با اصول حاکمیت قانون در دولت جمهوری اسلامی ایران بسنجند. این مقاله، از نخستین تلاش‌ها در زبان فارسی برای بازاندیشی در مفهوم مشروعیت اداری در عصر هوش مصنوعی به‌شمار می‌رودبا این‌حال، ادبیات داخلی فاقد پژوهشی جامع و تطبیقی است که به تحلیل ساختاری تجربیات کشورهای پیشرو پرداخته، وضعیت ایران را از منظر اصول بنیادین حقوق عمومی بررسی کرده و راهکارهای تقنینی و نهادی برای مواجهه با بحران مشروعیت تصمیمات هوشمند ارائه دهد. همچنین، در پژوهش‌های داخلی کمتر به پیوندهای نظری میان مشروعیت، شفافیت الگوریتمی، حق اعتراض، و کرامت انسانی پرداخته شده است. لازم به ذکر است برخی پژوهش‌ها توسعه زیرساخت، افزایش سرمایه‌گذاری و تقویت نیروی انسانی را نخستین گام‌های ضروری برای بهره‌گیری مسئولانه از هوش مصنوعی در نظام اداری شناسایی کرده است (ایزدی و همکاران، ۱۴۰۳).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

۲. مفهوم‌شناسی و چارچوب تحلیلی

اصطلاحاتی همچون مشروعیت، تصمیم اداری و دولت دیجیتال، در نگاه نخست، واژگانی به‌ظاهر روشن و متداول به‌نظر می‌رسند؛ اما در بستر تحول فناورانهِ حاکمیت، هر یک دچار دگرگونی گفتمانی شده‌اند که فهم آن‌ها نیازمند بازنگری‌ای عمیق و بازتعریف در پرتو شرایط نوین حکمرانی است. در این بخش، با نگاهی تلفیقی به سنت حقوق عمومی، نظریه دولت، و فلسفه فناوری، سه مفهوم محوری مقاله واکاوی می‌شود.

۲-۱. مشروعیت حقوقی: فراتر از انطباق، در طلب رضایت هنجاری

مشروعیت، در تاریخ اندیشه حقوق عمومی، همواره در تعلیق میان «اطاعت» و «توجیه» قرار داشته است؛ اطاعت از قدرت به‌واسطه قانون، یا پذیرش قدرت به‌واسطه استحقاق اخلاقی. اگر در رویکرد قانونی–صوری، مشروعیت صرفاً به معنای انطباق با قاعده حقوقی بود، در سنت‌های نظری انتقادی‌تر، مشروعیت ناظر بر بنیادهایی است که قدرت را از نظر اخلاق عمومی، مشارکت‌پذیری و حق اعتراض موجه می‌سازند. بیتهام در این زمینه تمایزی مهم میان سه سطح از مشروعیت قائل می‌شود: مشروعیت به‌مثابه وجود قاعده، مشروعیت به‌مثابه انطباق با قاعده و مشروعیت به‌مثابه توجیه آن قاعده نزد مخاطبان (Beetham, 1991: 20).

در دولت‌های مدرن، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، مشروعیت دیگر نمی‌تواند صرفاً بر مدار اعمال قانون بدون پاسخ‌گویی استوار باشد، بلکه باید دربرگیرنده فرآیندهایی باشد که افراد بتوانند نسبت به آن‌ها فهم، مشارکت و اعتراض داشته باشند. مشروعیت حقوقی، در این معنا، هم صوری است و هم هنجاری. صوری از آن‌رو که باید به پشتوانه قانونی استوار باشد؛ هنجاری از آن حیث که باید برای شهروندان معقول، قابل‌قبول و توجیه‌پذیر باشد. در وضعیت نوین تصمیم‌گیری خودکار، این معادله با بحران مواجه شده است. چگونه می‌توان تصمیمی را مشروع دانست که نه می‌دانیم چه کسی آن را گرفته، نه چگونه گرفته شده و نه بر مبنای کدام داده و مهم‌تر آنکه، راهی برای بازنگری یا اعتراض به آن وجود ندارد؟ در چنین شرایطی، حتی اگر تصمیم به‌ظاهر در چارچوب قانونی اتخاذ شده باشد، فقدان شفافیت، غیاب امکان بازنگری انسانی، و حذف کرامت فرد در فرآیند تصمیم‌گیری، مشروعیت آن را از درون تهی می‌کند.

بنابراین در چارچوب این مقاله، مشروعیت حقوقی تصمیمات الگوریتمی تنها در صورتی قابل دفاع است که واجد سه شرط بنیادین باشد: شفافیت در منطق تصمیم‌گیری، امکان نظارت و بازنگری انسانی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

سازگاری درونی با کرامت انسانی به‌مثابه بنیاد حقوق عمومی. هرگونه تصمیمی که این سه شرط را نادیده بگیرد، ولو آنکه قانونی باشد، فاقد مشروعیت حقوقی است.

۲-۲. تصمیم اداری الگوریتمی: محاسبه‌ای که فاقد گفت‌وگو است

در سنت کلاسیک حقوق اداری، تصمیم اداری واجد خصیصه‌هایی بود که آن را به کنشی حاکمیتی و مسئولانه تبدیل می‌کرد. تصمیم توسط مقام انسانی اتخاذ می‌شد، نام و عنوان مقام صادرکننده روشن بود، استدلال تصمیم در بسیاری موارد بیان می‌گردید و راه‌های اعتراض و بازبینی در برابر آن پیش‌بینی می‌شد. اما در ساختارهای نوپدید دیجیتال، با نوعی دگردیسی مفهومی در معنای تصمیم روبه‌رو هستیم. «تصمیم» دیگر الزاماً به معنای یک کنش آگاهانه انسانی نیست، بلکه فرآیندی آماری و مبتنی بر پردازش انبوه داده‌هاست که بخشی از آن به الگوریتم‌ها واگذار می‌شود.

از منظر سطح مداخله‌ی فناوری، دو گونه تصمیم الگوریتمی باید متمایز شود: نخست، تصمیمات پشتیبانی‌شده یا یار تصمیم (Decision-Support Systems) که در آن الگوریتم صرفاً داده‌ها را تحلیل و پیشنهاد ارائه می‌کند و مقام انسانی اختیار نهایی دارد؛ دوم، تصمیمات خودکار یا خودمختار (Automated Decisions) که در آن، سامانه به‌طور مستقیم خروجی الزام‌آور برای اشخاص تولید می‌کند، بی‌آنکه دخالت انسانی در مرحله نهایی وجود داشته باشد (Burrell, 2016: 5). بیشتر نمونه‌های موجود در ایران و بسیاری کشورهای در حال توسعه، از نوع نخست‌اند؛ بااین‌حال، حتی در این سطح نیز، پرسش از مشروعیت پابرجاست، زیرا تصمیم نهایی، در عمل تابع منطق الگوریتمی است که شهروند نسبت به آن آگاهی یا امکان اعتراض مؤثر ندارد.

در گام بعد، باید دامنه تصمیم اداری روشن شود. مقصود در این مقاله، تنها تصمیمات نهایی قابل ابلاغ به اشخاص نیست؛ بلکه تمامی تصمیماتی را دربرمی‌گیرد که در مسیر صدور تصمیم نهایی، به‌طور مؤثر بر حقوق یا منافع افراد اثر می‌گذارند. در واقع، تصمیمات «اعدادی» یا مقدماتی که داده‌ها را پالایش و اولویت‌بندی می‌کنند نیز بخشی از فرایند تصمیم‌اند و از منظر مشروعیت نمی‌توان آن‌ها را بیرون از نظارت حقوق عمومی قرار داد. برای نمونه، اگر سامانه‌ای هوشمند به‌صورت خودکار متقاضیان تسهیلات دولتی را رتبه‌بندی و بخشی از آنان را از فهرست بررسی نهایی حذف کند، این تصمیم مقدماتی نیز واجد آثار حقوقی است و باید مشمول همان ضوابط شفافیت، نظارت انسانی و حق اعتراض باشد.

بر این مبنا، تصمیم اداری الگوریتمی در معنای تحلیلی این مقاله، هر نوع تصمیم یا خروجی سامانه‌ای است که به‌نحوی مؤثر بر وضعیت حقوقی یا منافع اشخاص اثر می‌گذارد، خواه به‌صورت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

مستقیم و نهایی، خواه در قالب تصمیم مقدماتی. چنین تصمیمی، معمولاً در جعبه‌سیاه داده‌ها شکل می‌گیرد؛ یعنی مشخص نیست بر چه اساسی تصمیم گرفته شده است. ازاین‌رو، سه ویژگی کلیدی آن را از تصمیم انسانی متمایز می‌کند:

۱. فقدان سوژه تصمیم‌گیرنده انسانی و مسئولیت‌پذیری اخلاقی؛

۲. غیرقابل‌توضیح بودن منطق الگوریتمی؛

۳. شخصی‌زدایی از مخاطب تصمیم، یعنی تقلیل شهروند به داده.

از منظر نظریه ارتباطی یورگن هابرماس، چنین تصمیمی نمی‌تواند به‌عنوان «کنش ارتباطی مشروع» تلقی شود، زیرا در آن هیچ فرآیند توجیهی یا گفت‌وگوی عقلانی میان دولت و شهروند شکل نمی‌گیرد (Habermas, 1996: 288). بنابراین، حتی اگر تصمیم الگوریتمی کارآمد و سریع باشد، در غیاب ارکان گفت‌وگومحور مشروعیت، تهی از معنا و مشروعیت سیاسی خواهد بود.

۲-۳. دولت دیجیتال: چرخش از چهره دولت به شبکه بی‌چهره داده

در ادبیات سیاست‌گذاری و مدیریت عمومی، دولت دیجیتال گاه به‌مثابه تحولی فناورانه برای ارتقای کارآمدی دولت معرفی می‌شود. اما از منظر نظریه دولت، آنچه در این تحول رخ می‌دهد، بازتعریف ماهوی دولت در نسبت با قدرت، سوژه و فناوری است. در دولت دیجیتال، حاکمیت دیگر در چهره مأمور، رئیس اداره، یا مقام سیاسی ظاهر نمی‌شود، بلکه در شبکه‌ای از سامانه‌های به‌هم‌پیوسته، تصمیم‌ساز و پیش‌بینی‌گر متجلی می‌گردد. اقتدار، دیگر نه در اراده شخصی بلکه در پردازش داده نهفته است و مخاطب دولت، نه انسان حقوق‌مند، بلکه ورودی آماریِ قابل ارزیابی است.

در تحلیل مفهوم «سرمایه‌داری نظارتی»، به‌درستی اشاره شده که دولت دیجیتال با رهاسازی اقتدار به الگوریتم، در عمل سازوکارهای دموکراتیک را دور می‌زند. در دولت سنتی، شهروند می‌توانست با مقام مواجه شود، سخن بگوید، اقامه دلیل کند؛ اما در دولت دیجیتال، این مواجهه جای خود را به «بازخورد داده‌ای» می‌دهد؛ یعنی تنها راه تأثیرگذاری بر تصمیم، تولید داده بیشتر است (Zuboff, 2019).

از منظر حقوق عمومی، وضعیت فوق واجد بحران‌های جدی است. چگونه می‌توان حاکمیتی را که در پس کدها پنهان است، پاسخ‌گو ساخت؟ در فقدان چهره انسانی، چگونه می‌توان مسئولیت را منتسب کرد؟ و در غیاب امکان گفتگو، چگونه می‌توان حق اعتراض را تحقق بخشید؟

در نتیجه، دولت دیجیتال، درعین‌حال‌که حامل ظرفیت‌های فناورانه عظیم است، اگر با سازوکارهای حقوقی پاسخ‌گو، شفاف و کرامت‌محور همراه نشود، به تهدیدی برای مشروعیت حقوق عمومی بدل

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

می‌شود. مقاله حاضر، دقیقاً بر همین گسست مفهومی و نظری تأکید دارد؛ شکافی که میان دولت دیجیتال و مشروعیت سیاسی–حقوقی در حال گسترش است و تنها از مسیر بازاندیشی نظری، تنظیم‌گری حقوقی و بازمهندسی نهادهای اداری قابل مهار است.

۳. مبانی نظری مشروعیت در تصمیمات خودکار

مسئله مشروعیت، در بستر دولت دیجیتال، بیش از آنکه صرفاً پرسشی حقوقی یا نهادی باشد، دغدغه‌ای فلسفی است؛ دغدغه‌ای در باب امکان تداوم بنیادهای اقتدار در جهانی که اراده انسانی، جای خود را به محاسبه داده‌محور و کنش گفت‌وگومحور، به تصمیم غیرشفاف الگوریتمی می‌سپارد. در این وضعیت، مفاهیمی که روزگاری شالوده حقوق عمومی را می‌ساختند، یک به یک نیازمند بازخوانی‌اند. این بخش، نه در پی استخراج تعاریف کلاسیک از مشروعیت، بلکه کوششی‌ست برای بازاندیشی در بنیان‌های آن، با اتکا بر سه سنت نظری متفاوت: گفت‌وگومحور (هابرماس)، مراقبتی–نظارتی (فوکو)، و عقلانی–قانونی (وبر).

۳-۱. مشروعیت به‌مثابه فرآیند گفت‌وگویی: تأملی در پارادایم ارتباطی هابرماس

هابرماس، پروژه‌ای را بنیان می‌نهد که در آن، مشروعیت، دیگر نه از بالا به پایین، بلکه در بستر تعامل، گفت‌وگو و امکان عقلانیت ارتباطی شکل می‌گیرد. به‌زعم او، در جوامع مدرن، اقتدار تنها در صورتی می‌تواند مدعی مشروعیت باشد که برآمده از فرآیندی گفت‌وگویی، آزاد و استدلالی باشد؛ یعنی جایی که افراد، با برخورداری از فرصت برابر برای اقامه دلیل، بتوانند در شکل‌گیری تصمیمات جمعی مشارکت کنند. (Habermas, 1996: 287) حال اگر این بنیان را ملاک سنجش مشروعیت قرار دهیم، آن‌چه در تصمیمات الگوریتمی رخ می‌دهد، به‌وضوح در تعارض با آن قرار می‌گیرد. الگوریتم، نمی‌شنود؛ منطق‌اش را توضیح نمی‌دهد؛ به چالش پاسخی نمی‌دهد. فرآیند تصمیم‌گیری در سامانه‌های هوشمند، نه باز، نه گفت‌وگویی، و نه الزاماً عقلانی به معنای بین‌الاذهانی آن است. بلکه چیزی است که در نهایت خروجی تولید می‌کند، بی‌آنکه فرآیند آن در معرض مشارکت یا اقناع عمومی قرار گیرد.

تصمیمات ماشینی فاقد یکی از ارکان اصلی مشروعیت یعنی امکان گفت‌وگوی متقابل و اقامه دلیل توسط سوژه مخاطب قدرت هستند. به‌عبارت دیگر، تصمیمی که از فرآیندی فاقد امکان تعامل و توجیه برخاسته، ولو آنکه منطبق با قانون باشد، از منظر هابرماسی، نامشروع است؛ زیرا بر بنیاد رضایت‌مندی عقلانی و اقناع شکل نگرفته، بلکه بر سکوت، داده و حذف گفت‌وگو متکی است. در چنین وضعیتی،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

آن‌چه از دست می‌رود، نه صرفاً حق اعتراض یا دسترسی به اطلاعات، بلکه بنیاد هستی‌شناختی مشروعیت است: گفت‌وگو.

۳-۲. قدرت الگوریتمی به‌مثابه فناوری مراقبت: بازخوانی نگاه فوکویی

در تحلیل میشل فوکو از مناسبات قدرت، امر سیاسی همواره در سطح میکرو عمل می‌کند: در بدن، در نهاد، در بازداشتگاه، در مدرسه. قدرت، دیگر صرفاً در فرمان حاکم نیست، بلکه در رویه، در نظم و در برنامه‌ریزی رفتارها جریان دارد. از همین منظر است که دولت مدرن، در قرن نوزدهم، به دولت نظارت، دولت زندگی، و دولت نرمال‌ساز بدل می‌شود (Foucault, 1979: 199–201) . اما دولت دیجیتال، به‌نحوی رادیکال‌تر، این فرآیند را به‌روز کرده است. دولت نه‌تنها رفتار را نظارت، بلکه آن را پیش‌بینی و پیش‌تنظیم می‌کند و این‌همه، به‌واسطه سامانه‌هایی انجام می‌شود که سوژه را به داده تبدیل کرده‌اند.

الگوریتم، در این تحلیل، ابزار انضباطی بی‌صداست؛ حکمرانی از طریق «ناآگاهی» است، نه از طریق اجبار. سامانه‌ای که تصمیم می‌گیرد چه کسی مستحق یارانه است یا چه کسی مشمول حمایت نیست، دقیقاً همان کارکردی را دارد که فوکو برای دیسیپلین قائل است: حذف زمینه انسانی، نادیده‌گرفتن تفاوت و اعمال نظم در پوشش خنثی عدد و داده. از منظر این چارچوب، مشروعیت، دیگر نه‌تنها در پذیرش یا گفت‌وگو، بلکه در افشای روابط قدرت پنهان در دل فناوری معنا می‌یابد. یعنی تصمیمات ماشینی را نمی‌توان تنها از حیث شفافیت ظاهری آن‌ها سنجید، بلکه باید بررسی کرد که چگونه این سامانه‌ها، نظامی از قدرت، حذف، اولویت‌بندی و تبعیض را بازتولید می‌کنند. مشروعیت، در این معنا، مستلزم پرسش از این است که کدام داده‌ها، با چه وزنی، برای چه کسانی و به‌نفع کدام نظم سیاسی استفاده می‌شوند؟ تصمیمات الگوریتمی، تصمیماتی هستند که با مداخله الگوریتم اخاذ شده و دارای آثار و تبعاتی بر اشخاص هستند. ذکر این نکته لازم است که الگوریتم‌ها در سطوح مختلفی ممکن است در فرآیند اتخاذ تصمیمات به‌کار آیند. گاهی اوقات به عنوان ابزار کمکی انسان و در چارچوب از قبل تعیین‌شده و پیش‌بینی‌پذیر و گاهی اوقات به صورت محوری و مستقل نسبت به اخذ تصمیم اقدام می‌کنند (انصاری، ۱۴۰۱: ۱۵۱).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

۳-۳. مشروعیت در سنت قانونی–عقلانی وبر: ضرورت بازگشت به قاعده، با عنصر انسانی

ماکس وبر، در سه‌گانه معروف خود از انواع مشروعیت، آن‌چه در دولت‌های مدرن بنیاد یافته، را مشروعیت «عقلانی–قانونی» می‌نامد؛ صورتی از اقتدار که نه مبتنی بر سنت یا کاریزما، بلکه بر منطق قاعده‌مند، تخصص، و بوروکراسی استوار است (Weber, 1978: 215–220). این مشروعیت، به‌رغم شکلی بودن، حامل نوعی عقلانیت نهادی است. تصمیم‌گیری باید توسط مقام ذی‌صلاح، در چارچوب مقرره قانونی و با امکان نظارت، اعتراض و رسیدگی قضایی انجام شود. اما آن‌چه در تصمیمات الگوریتمی رخ می‌دهد، گونه‌ای «بوروکراسی بدون چهره» است؛ یا به‌عبارت دیگر، آن‌چه وبر پیش‌بینی نمی‌کرد: نظامی از قاعده، بی‌فاعل. در این وضعیت، اگرچه ظاهر امر منطبق با رویه و نظم است، اما در غیاب مقام پاسخ‌گو، عنصر انسانی و قابلیت اقامه دلیل، ساختار اداری از درون تهی می‌شود. مشروعیت عقلانی–قانونی، تنها در صورتی معنا دارد که بتوان مقام تصمیم‌گیرنده را بازشناخت، منطق تصمیم را فهمید و مسیر اعتراض و بازنگری را طی کرد. سامانه‌ای که تصمیم می‌گیرد اما نه مسئول است، نه قابل توضیح و نه پاسخ‌گو، اگرچه می‌تواند قانونی باشد، ولی به‌زعم وبر، از مشروعیت ساقط است؛ زیرا قاعده را از فاعل حقوقی جدا کرده است.

باری، در هر سه سنت نظری، مشروعیت تصمیمات، در گرو ارتباط، پاسخ‌گویی و انسان‌مندی فرآیند تصمیم‌گیری است. سامانه‌های هوشمندی که فاقد این ابعادند، بی‌آنکه مستقیماً ناقض قانون باشند، از منظر حقوق عمومی، فاقد مشروعیت‌اند؛ زیرا یا گفت‌وگو را حذف می‌کنند، یا قدرت را پنهان می‌سازند، یا قواعد را بی‌فاعل اعمال می‌کنند.

٤. مطالعه تطبیقی مشروعیت تصمیمات الگوریتمی در دولت‌های دیجیتال

نظام‌های حقوقی فرانسه، آلمان و اتحادیه اروپا هر یک با پیشینه‌ای متمایز در نظریه دولت، حقوق اداری و تنظیم‌گری فناوری، نمونه‌هایی ارزشمند از نسبت میان هوش مصنوعی و مشروعیت حقوقی تصمیمات اداری ارائه کرده‌اند. این بخش، با هدف شناخت الگوهای نهادین و مفهومی، به تحلیل این سه تجربه خواهد پرداخت.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

٤-١. فرانسه: شفافیت به‌مثابه بنیاد مشروعیت الگوریتمی در دولت اداری عقلانی

نظام حقوقی فرانسه، با پیشینه‌ای کهن در نظریه دولت متمرکز و اقتدار قانونی، همواره نسبت به قلمرو اعمال قدرت عمومی و شیوه مشروعیت بخشیدن آن حساسیتی بنیادین داشته است. این نظام، که سنت خود را بر شالوده «عقلانیت اداری» و فلسفه روشنگری استوار ساخته، از قرن نوزدهم تا امروز، دولت را نه صرفاً مجری قانون، بلکه حامل «اراده عامه» می‌داند؛ اراده‌ای که باید شفاف، توجیه‌پذیر و در برابر شهروندان پاسخ‌گو باشد. در چنین بافتی، ورود فناوری‌های هوش مصنوعی به فرآیند تصمیم‌گیری اداری، نه فقط تغییری فنی، بلکه تهدیدی بالقوه برای آن درکی از مشروعیت است که از سنت دولت–ملت فرانسوی سرچشمه می‌گیرد. از همین‌رو، قانون‌گذار فرانسوی، زودتر از بسیاری نظام‌های حقوقی دیگر، کوشید مرزهای حقوق عمومی را تا درون منطق الگوریتمی توسعه دهد و اقتدار ماشینی را نیز تحت چارچوب اصول عدالت اداری و شفافیت محصور سازد. ماده L311-3-1 از قانون روابط اداری و شهروندی[1] در پرتو «قانون جمهوری دیجیتال» مصوب ۲۰۱۶، تجسم این نگرش است. طبق این ماده، «هرگاه تصمیم اداری بر اساس یک سامانه الگوریتمی اتخاذ شود، اداره مربوطه موظف است شهروند را صراحتاً از این مداخله آگاه سازد و درصورت درخواست او، قوانین منطق، متغیرهای کلیدی و چارچوب مداخله انسانی را ارائه دهد».

در نظریه‌های حقوق اداری فرانسه، الگوریتم دارای دو حیثیت است: هم «ابزار» تصمیم‌گیری و هم «سند اداری» مشمول حق دسترسی عمومی. این مفهوم، نخستین‌بار با رأی شورای دولتی در پرونده Conseil d'État, 12 juin 2019, n° 427916 تثبیت شد. موضوع دعوا، شکایت یکی از داوطلبان ورود به آموزش عالی از سامانه‌ی Parcoursup بود؛ سامانه‌ای ملی برای گزینش و تخصیص دانشگاهی که از مدل‌های الگوریتمی برای رتبه‌بندی استفاده می‌کرد. شورای دولتی در این رأی تصریح کرد که استفاده از الگوریتم، اداره را از الزامات شفافیت، حق دانستن و بازنگری‌پذیری معاف نمی‌سازد. به‌موجب حکم، وزارت آموزش عالی موظف شد متغیرها، ضرایب و منطق محاسبه‌ی سامانه را در دسترس داوطلبان قرار دهد تا بتوانند تصمیم را درک و در صورت لزوم، اعتراض کنند. بدین‌ترتیب، سه رکن مشروعیت تصمیمات اداری الگوریتمی در نظام حقوقی فرانسه تثبیت شد:

۱) الزام به افشای ساختار و منطق الگوریتمی؛

۲) حفظ مسئولیت انسانی در تصمیم‌گیری؛

1. Code des relations entre le public et l'administration

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

۳) امکان اعتراض مؤثر و مستقل در برابر تصمیم.

در نظام حقوق اداری فرانسه، شفافیت الگوریتمی به‌عنوان یکی از جلوه‌های نوین حق دسترسی شهروندان به اسناد اداری مورد شناسایی قرار گرفته است. «کمیسیون دسترسی به اسناد اداری[1]» در چند نظر رسمی خود در سال ۲۰۱۷ تصریح کرد که تصمیمات اداری مبتنی بر الگوریتم‌ها باید در حدی که محرمانگی و منافع عمومی اجازه می‌دهد، برای شهروندان قابل فهم باشند. بر پایه این آراء، حتی اگر انتشار کامل *کُد منبع* ممکن نباشد، اداره موظف است منطق تصمیم، داده‌های ورودی و عوامل مؤثر بر نتیجه را در دسترس متقاضی قرار دهد (CADA, 2017a; 2017b). در ادامه این رویکرد، وزارت اقتصاد و دارایی فرانسه در سال ۲۰۱۸ به کارگیری سامانه‌های یادگیرنده در حوزه کشف فرار مالیاتی را تأیید کرد و در پاسخ به مطالبه نهادهای مدنی، بخش‌هایی از متغیرها و منطق آماری الگوریتم را منتشر ساخت (Ministère de l'Action et des Comptes publics, 2018). این تحول نماد گذار از اداره‌ی دیجیتال بسته به سوی اداره‌ی پاسخ‌گو و قابل توضیح است. در سطح نظری، اندیشمندانی چون روسو[2] و دلماس مارتی[3] با الهام از این تحولات، بر پیدایش مفهوم «شهروندی الگوریتمی (citoyenneté algorithmique)» تأکید کرده‌اند؛ وضعیتی که در آن شهروند بتواند مخاطب حقوقی تصمیمات خودکار باشد، از منطق آن آگاه شود و حق اعتراض و دادخواهی داشته باشد (Rousseau, 2018, pp. 112–115; Delmas-Marty, 2021, pp. 89–91).

٤-۲. آلمان: مشروعیت الگوریتمی در پرتو سنت دولت قانون‌مدار و حقوق بنیادین

اگر در نظام حقوقی فرانسه، منطق مشروعیت تصمیمات هوشمند بر شفافیت در ساختار اداری و الزام به افشای الگوریتم استوار است، در آلمان، این مشروعیت از منظری دیگر و بر بستری عمیق‌تر بنا نهاده می‌شود؛ بستری که از قرن نوزدهم با مفهوم بنیادین «دولت قانون‌مدار»[4] در حقوق آلمان شکل گرفت و از آن زمان تاکنون، نه فقط به‌مثابه اصل، بلکه به‌مثابه شالوده‌ای مفهومی برای تبیین مشروعیت کلیه اعمال حاکمیتی عمل کرده است (Wischmeyer, 2020: 1179). در این سنت حقوقی، اقتدار اداری تنها در صورتی موجه تلقی می‌شود که تابع اصول دقیق قانونی، مستند به دلایل روشن و در معرض نظارت مستقل باشد. الگوریتم، به‌عنوان فاعل تازه‌وارد به قلمرو تصمیم‌سازی اداری، در این نظم حقوقی باید از همین مسیر عبور کند: هیچ تفاوتی میان تصمیم انسانی و ماشینی وجود ندارد، مادام که موضوع

1. CADA
2. Dominique Rousseau
3. Mireille Delmas-Marty
4. Rechtsstaat

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

آن برخورد با حقوق بنیادین شهروند است؛ و ازاین‌رو، قاعده مشروعیت، مشترک است: شفافیت در فرآیند، امکان اعتراض مؤثر، و تعهد به تناسب و عقلانیت (Mittelstadt, 2016: 504).

نخستین چالش قضایی جدی نسبت به مشروعیت کاربرد الگوریتم‌ها در نظام اداری آلمان در سال ۲۰۱۷ و در قالب پرونده‌ای نزد دادگاه اداری ویسبادن (Verwaltungsgericht Wiesbaden) پدیدار شد. در این پرونده، یکی از داوطلبان پذیرش دانشگاهی با استناد به قانون آزادی اطلاعات فدرال (Informationsfreiheitsgesetz – IFG) خواستار افشای منطق و معیارهای تصمیم‌گیری سامانه‌ی خودکار گزینش دانشجو (Hochschulstart) شد. دادگاه در رأی خود اعلام کرد که تصمیم اداری مبتنی بر الگوریتمی غیرقابل‌فهم و فاقد امکان بازبینی انسانی، با اصول بنیادین مشروعیت و حق دانستن شهروند مغایر است؛ زیرا مشروعیت تصمیم اداری در نظام دموکراتیک مستلزم امکان کنترل انسانی و فهم‌پذیری منطق تصمیم است. این پرونده، که با عنوان VG Wiesbaden, Urteil vom 28 Februar 2017 – 6 K 1493/16.WI. در آرشیو حقوقی آلمان ثبت شده، از سوی پژوهشگران به‌عنوان نخستین گام در شناسایی «حق اطلاع از منطق الگوریتمی» (Recht auf Kenntnis des Algorithmus) در حقوق اداری آلمان شناخته می‌شود (see Kühling & Seidel, 2017; Sartor, 2020). یافته‌های این رأی در گزارش سالانه کمیسر فدرال حفاظت از داده‌ها و آزادی اطلاعات آلمان نیز بازتاب یافت (BfDI, 2018, pp. 42–43). متعاقب صدور رأی فوق، وزارت آموزش آلمان موظف شد متغیرها، ضرایب و منطق سامانه را شفاف کند و سازوکاری برای بازنگری انسانی فراهم آورد. این رویکرد برخاسته از سنت حقوق عمومی آلمان است که مشروعیت را نه به نتیجه، بلکه به فرآیند منصفانه گره می‌زند (Wischmeyer & Rademacher, 2019: p. 72). فلسفه کانتی حاکم بر حقوق آلمان نیز بر این اصل تأکید دارد که «فرآیند» بخشی از کرامت است، نه ابزار ثانوی آن.

از منظر نظری، برخی پژوهشگران آلمانی[1] با توسعه مفهوم «مسئولیت اداری» تأکید می‌کنند که حتی در تصمیمات مبتنی بر یادگیری ماشین، مسئولیت باید نزد انسان باقی بماند؛ الگوریتم صرفاً ابزار است، نه مرجع تصمیم (Wischmeyer & Rademacher, 2020: 1180). آنان نسبت به «انتقال اقتدار به منطق آماری» هشدار می‌دهند که می‌تواند نظم حقوق عمومی را فرسایش دهد. در سطح قانون‌گذاری نیز، قانون حفاظت از داده‌های فدرال آلمان[2] در ماده ۳۷، حق بر مداخله انسانی در تصمیمات خودکار را تثبیت کرده است (Federal Data Protection Act [BDSG], 2017: Sec. 37). همچنین،

1. Wischmeyer & Rademacher
2. BDSG

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

نهادهایی همچون دفتر فدرال حفاظت از داده‌ها[1] و شورای اخلاق دیجیتال آلمان، بر ضرورت ایجاد دستورالعمل‌هایی برای آموزش و نظارت بر الگوریتم‌ها تأکید دارند (BfDI, 2023).

در نهایت، تجربه آلمان نشان می‌دهد که مشروعیت فناوری نه از اعتماد به آن، بلکه از مهار آن در چارچوب سنت حقوقی دولت قانون‌مدار نشأت می‌گیرد. در این کشور، هیچ سامانه هوشمندی نمی‌تواند از نظارت حقوقی مستثنا شود؛ زیرا حتی در عصر داده، اصل بر آن است که فناوری باید پاسخگو به دادگاه و شهروند باشد، نه برعکس.

٤-٣. اتحادیه اروپا: حکمرانی الگوریتمی در مدار حقوق بنیادین و نهادسازی چندلایه

اگرچه اتحادیه اروپا در آغاز پروژه ادغام، بیشتر با رویکردی اقتصادی–بازاری شناخته می‌شد، اما در دو دهه اخیر، به‌ویژه پس از تصویب منشور حقوق بنیادین اتحادیه[2]چرخشی معنادار در جهت تأسیس الگویی از «حکمرانی حقوق‌بنیاد» رخ داده است؛ الگویی که در آن، حقوق فردی نه صرفاً امری تجملی، بلکه سنگ‌بنای مشروعیت هرگونه اعمال قدرت محسوب می‌شود (Craig & de Búrca, 2020: 335). این تحول، با اوج‌گیری هوش مصنوعی و گسترش استفاده از الگوریتم‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری عمومی، به حوزه نوینی کشیده شد: مشروعیت فناوری در نسبت با حقوق بنیادین انسان اروپایی (Buttarelli, 2018: 4). پرسش این بود که در جهانی که داده‌ها تصمیم می‌گیرند، چگونه می‌توان منزلت انسان را حفظ کرد؟ پاسخ اتحادیه، نه در نفی فناوری، بلکه در نهادینه‌سازی حقوق در دل آن بود (EDPB, 2020: 3).

نخستین نمود این رویکرد، در مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها مصوب ۲۰۱۶، به‌ویژه ماده ۲۲ آن نمایان شد. در این ماده، اتحادیه صراحتاً اعلام می‌کند که هیچ فردی نباید تابع تصمیمی شود که صرفاً بر پایه پردازش خودکار اتخاذ شده و آثار حقوقی یا مشابه قابل توجهی بر او داشته باشد (GDPR, 2016, Art. 22). آنچه در این ماده برجسته است، تأکید بر حق بر تصمیم غیرخودکار است؛ حقی که ریشه در کرامت انسانی دارد و بر اصل اساسی منشور اتحادیه استوار است؛ انسان باید مخاطب قدرت باشد، نه موضوع خاموش محاسبات (Wachter et al., 2017: 81). افزون بر ماده ۲۲، مواد ۱۳ تا ۱۵ نیز بر حق اطلاع‌یابی، دسترسی به منطق تصمیم، و حق اعتراض تأکید دارند و مجموعه‌ای از

1. BfDI
2. Charter of Fundamental Rights of the European Union

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

سازوکارهای شفافیت، توضیح‌پذیری، و کنترل انسانی را برای کاربردهای الگوریتمی مقرر می‌دارند (GDPR, 2016, Arts. 13–15).

اما تجربه اروپایی، به‌مثابه یک نظم فراملی، تنها به سطح تقنین بسنده نکرد. یکی از خصلت‌های متمایز این تجربه، *نهادسازی چندسطحی* برای تضمین مشروعیت فناوری است. در این راستا، نهادهایی همچون هیئت اروپایی حفاظت از داده‌ها[1] نهاد ناظر بر حقوق بنیادی،[2] و شبکه مقامات ملی حفاظت از داده‌ها، همگی در هماهنگی با یکدیگر، نظارت بر اجرای اصول مربوط را در بستر تصمیمات هوشمند بر عهده دارند (European Union Agency for Fundamental Rights, 2018: 22). از جمله در سال ۲۰۲۰، مرجع مذکور در بیانیه‌ای تفسیری، اعلام کرد که صرف اطلاع‌رسانی درباره استفاده از الگوریتم کفایت نمی‌کند؛ بلکه کاربران باید درک روشن و قابل فهمی از منطق تصمیم و آثار آن بر موقعیت شخصی خود داشته باشند (EDPB, 2020: 4). این تفسیر، شفافیت را از سطح افشاگری فنی، به سطح مشارکت معنادار حقوقی ارتقا می‌دهد (Wachter & Mittelstadt ,2018: 497).

گام بلند بعدی، انتشار پیش‌نویس قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا[3] در سال ۲۰۲۱ و تصویب آن در ۲۰۲۳ بود. این قانون، نخستین چارچوب جامع تقنینی در جهان است که کاربردهای هوش مصنوعی را بر پایه *سطوح خطر*[4] طبقه‌بندی کرده و برای هر سطح، الزامات متناسبی مقرر کرده است (European Commission, 2021: 5). در سطح «ریسک بالا»، که شامل حوزه‌هایی مانند عدالت، استخدام، آموزش، خدمات عمومی و سلامت می‌شود، اتحادیه مجموعه‌ای از الزامات سخت‌گیرانه را پیش‌بینی کرده است (AI Act, 2023, Art. 6–7):

ثبت عمومی الگوریتم در پایگاه شفافیت اتحادیه (AI Act, 2023, Art. 60).

الزام به ممیزی پیشینی و دوره‌ای توسط نهادهای مستقل (AI Act, 2023, Art. 54).

الزام به توضیح‌پذیری تصمیم، به زبان قابل فهم برای کاربران (AI Act, 2023, Art. 13).

حضور اجباری عنصر انسانی در هر مرحله‌ای که آثار حقوقی بر اشخاص دارد (AI Act, 2023, Art. 14).

در قالب این قانون، الگوریتم دیگر نمی‌تواند بدون «نماینده انسانی مشروع» تصمیم‌گیری کند (Floridi, 2014: 9). اتحادیه اروپا به‌روشنی اعلام می‌کند که خودکارسازی فرآیند، توجیهی برای خروج

1. EDPB
2. FRA
3. AI Act
4. Risk-Based Approach

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

از نظام مشروعیت نیست؛ بلکه برعکس، هرچه فناوری پیچیده‌تر می‌شود، سازوکارهای مشروعیت باید پیچیده‌تر، دقیق‌تر و ساخت‌یافته‌تر شوند (European Commission, 2021: 11).

از جمله نمونه‌های عملی در این راستا، می‌توان به سامانه‌های هوشمند در مدیریت مرزهای اتحادیه اشاره کرد که در ابتدا بدون پیروی کامل از الزامات شفافیت و پاسخ‌گویی مورد استفاده قرار گرفت، اما پس از اعتراض‌های نهادهای حقوق بشری و بررسی‌های حقوقی، متوقف شد تا سازوکارهای توضیح‌پذیری، راستی‌آزمایی انسانی و عدم تبعیض در آن تقویت شود (Privacy International, 2019: 2).

از منظر نظری نیز، پژوهشگرانی همچون فلوریدی[1] و واچر[2] مدل جدیدی از حکمرانی الگوریتمی را پیشنهاد کرده‌اند که در آن، فناوری نه بیرون از حقوق، بلکه درون آن مهار شود. آنان تأکید می‌کنند که در عصر داده‌محور، مشروعیت نه در نتیجه‌گرایی، بلکه در فرآیند مبتنی بر کرامت، شفافیت و نظارت شکل می‌گیرد (Wachter et al., 2017: 81). اتحادیه اروپا، دقیقاً با پذیرش این منطق، مدل خاصی از دولت دیجیتال حقوق‌محور را پیشنهاد کرده است؛ مدلی که در آن، فناوری نه پایان دموکراسی، بلکه آزمون آن است (Floridi, 2014: 10).

در جمع‌بندی، تجربه اتحادیه اروپا را باید تلاشی دانست برای ایجاد نظمی حقوقی که در آن، تصمیم‌گیری ماشینی تنها در صورت همراهی با سه رکن مشروعیت شامل شفافیت، بازنگری انسانی و کرامت، قابل تحمل است (AI Act, 2023, Recital 14). الگوریتم، در این نظم، نه فاعل مستقل، بلکه تابع نظم مشروعیت‌بخش حقوقی است. هر جا این نظم نادیده گرفته شود، تصمیم، هرچند خودکار، غیرمشروع خواهد بود. اتحادیه اروپا، شاید بیش از هر نظام حقوقی دیگر، این اصل را به‌روشنی نهادینه کرده است: حقوق باید هوشمندتر از فناوری باشد.

۵. آسیب‌شناسی مشروعیت حقوقی تصمیمات اداری الگوریتمی در نظام حقوقی ایران: تعارض‌ها، کاستی‌ها و بایسته‌ها

در نظریه‌های نوین حکمرانی دیجیتال، مشروعیت تصمیمات اداری زمانی معنا می‌یابد که دولت نه‌تنها در چارچوب قانون، بلکه در افق شفافیت (پروین و فیروزی، ۱۳۹۸: ۶۰۰)، مشارکت‌پذیری و پاسخ‌گویی ساختاری به تصمیمات خود بنیاد دهد. در چنین چارچوبی، ساختار تصمیم‌گیری حتی اگر با بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند و ابزارهای داده‌محور شکل گیرد، باید به‌گونه‌ای طراحی شود که رعایت حقوق

1. Luciano Floridi
2. Sandra Wachter

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

بنیادین شهروندان و امکان اعمال نظارت عمومی بر آن تضمین گردد. با این‌حال، نظام حقوقی ایران در وضعیت کنونی، اگرچه گام‌هایی در مسیر دیجیتالی‌سازی دولت و هوشمندسازی فرآیندهای اداری برداشته است، هنوز وارد مرحله‌ی «دولت الگوریتمی» به معنای تصمیم‌گیری خودکار نشده است. سامانه‌هایی همچون پایگاه رفاه ایرانیان، درگاه ملی مجوزها، سامانه جامع تجارت یا سامانه مالیاتی، بیشتر در سطح تصمیم‌یار (Decision-Support Systems) عمل می‌کنند؛ یعنی داده‌ها را تحلیل و پیشنهاد ارائه می‌دهند، اما تصمیم نهایی همچنان توسط مقام انسانی اتخاذ می‌شود. با این‌همه، حتی در این سطحِ نیمه‌خودکار نیز پرسش از مشروعیت حقوقی تصمیمات داده‌محور کاملاً برجاست؛ زیرا تصمیم انسانی در عمل، تابع منطق آماری یا الگوریتمی است که شهروند از آن بی‌خبر است و راه مؤثری برای اعتراض یا بازنگری ندارد. این وضعیت را می‌توان در سه سطح هنجاری، ساختاری و رویه‌ای تحلیل کرد.

۵-۱. ناهماهنگی هنجاری و تعلیق مفهومی مشروعیت در مواجهه با هوش مصنوعی اداری

اگرچه طی سال‌های اخیر اسناد متعددی ناظر بر توسعه فناوری اطلاعات و هوشمندسازی در دستگاه‌های اجرایی تصویب شده‌اند از جمله آیین نامه توسعه و گسترش کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات (مصوب ۱۳۹۴)، سند ملی هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۳) و ماده ۶۷ قانون برنامه ششم توسعه اما هنوز هیچ چارچوب الزام‌آور و نظام‌مند برای تبیین جایگاه، حدود مداخله و مسئولیت سامانه‌های داده‌محور در تصمیمات اداری وجود ندارد. در نتیجه، بخشی از ساختار اداری کشور دچار نوعی فناوری‌گرایی صوری شده است؛ به‌گونه‌ای که صرف استفاده از الگوریتم یا داده، مشروعیت تصمیم را مفروض می‌گیرد، بی‌آنکه پیوندی با اصول بنیادین حقوق عمومی چون حاکمیت قانون، کرامت انسانی یا حق اعتراض شهروندان برقرار کند. در حالی‌که در سطح بین‌المللی، اسناد کلیدی چون OECD Principles on AI (2019) و EU Ethics Guidelines for Trustworthy AI بر سه محور شفافیت، توضیح‌پذیری و امکان بازنگری انسانی تأکید دارند، نظام تقنینی ایران هنوز در تعریف حدود مشروعیت تصمیمات داده‌محور سکوت دارد.

۵-۲. خلأ تقنینی در تنظیم مسئولیت حقوقی نهادها و سامانه‌های هوشمند

قوانین موجود، از جمله قانون دیوان عدالت اداری (اصلاحی ۱۴۰۲) و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (۱۳۸۷) واجد برخی اصول ناظر بر شفافیت و پاسخ‌گویی‌اند، اما نسبت به اقتضائات تصمیم‌یارهای اداری سکوت دارند. بندهای مختلف مواد ۱۰ و ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری امکان

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

شکایت از تصمیمات و مصوبات اداری را پیش‌بینی کرده‌اند، ولی هیچ‌یک تمایزی میان تصمیمات انسانی و تصمیمات داده‌محور قائل نشده‌اند و نحوه رسیدگی به خطای الگوریتمی، ابهام در مدل محاسباتی یا فقدان دلایل قابل ارزیابی را روشن نمی‌کنند. از سوی دیگر، در غیاب قانون جامع حفاظت از داده‌های شخصی، نهادهای اداری می‌توانند بدون اطلاع‌رسانی روشن به افراد، از داده‌های آنان در الگوریتم‌های تصمیم‌یار استفاده کنند؛ وضعیتی که نه‌تنها ناقض اصل کرامت انسانی است، بلکه امکان نظارت حقوقی مؤثر را نیز از میان می‌برد. سند ملی هوش مصنوعی هرچند بر اصولی مانند شفافیت، پاسخ‌گویی و رعایت حقوق کاربران تأکید دارد، اما از منظر ضمانت اجرا و جایگاه حقوقی، سندی سیاستی است و نه تقنینی؛ ازاین‌رو، توان تبدیل این اصول به قواعد الزام‌آور اداری را ندارد.

۵-۳. ضعف نهادهای پاسخگو و فرسایش امکان اعتراض‌پذیری اداری

ساختار اداری ایران، به‌ویژه در لایه‌های میانی تصمیم‌سازی، هنوز بر الگوی سلسله‌مراتبی و تمرکزگرا استوار است. این ویژگی، در ترکیب با فرایندهای نیمه‌الکترونیک و سامانه‌هایی که عموماً با منطق تکنوکراتیک و نه حقوق‌محور طراحی شده‌اند، موجب تضعیف سازوکارهای پاسخ‌گویی شده است. اگرچه قانون برنامه هفتم پیشرفت (۱۴۰۳) بر گسترش دولت هوشمند، عدالت اداری و توسعه سامانه‌های الکترونیکی تأکید کرده، اما این اهداف هنوز با ضمانت‌های حقوقی لازم برای تحقق مشروعیت همراه نشده‌اند. به‌عبارت دیگر، در غیاب حق شنیده‌شدن، الزام به بیان دلایل تصمیم، حق بازنگری انسانی و افشای منطق تصمیم‌یار، کنش شهروند در برابر دولت به کنشی منفعلانه تقلیل یافته است.

۵-۴. دوری ساختار دیوان عدالت اداری از مقتضیات رسیدگی به شکایات هوشمند

اصلاحات قانون دیوان عدالت اداری (۱۴۰۲) گامی مهم در ارتقای کارآمدی دادرسی اداری است، اما هنوز نسبت به تصمیمات مبتنی بر سامانه‌ها سکوت دارد. در شرایطی که بسیاری از دستگاه‌ها، از سازمان تأمین اجتماعی تا وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و آموزش‌وپرورش، از سامانه‌های داده‌محور برای ارزیابی یا رتبه‌بندی استفاده می‌کنند، لازم است دیوان عدالت اداری بتواند علاوه بر بررسی شکلی تصمیم، به «منطق الگوریتمی» و «داده‌های اثرگذار» نیز دسترسی داشته باشد. در غیر این صورت، امکان نظارت ماهوی بر مشروعیت تصمیم از میان می‌رود. ساختار فعلی آیین دادرسی، همچنان بر فرضِ «تصمیم انسانی قابل استدلال» مبتنی است، نه بر «تصمیم داده‌محور نیازمند توضیح‌پذیری».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

۵-۵. فقدان نظارت عمومی بر داده‌ها و الگوهای تصمیم‌سازی

اصل پاسخ‌گویی داده‌محور که در اسناد حکمرانی دیجیتال جهانی (مانند EU Annual Digital Governance Report, 2023) عنوان مبنای مشروعیت تصمیمات هوشمند معرفی شده است، در ایران هنوز نهادینه نشده است. هیچ نهاد مستقلی برای ارزیابی کیفیت داده‌های اداری، کنترل الگوریتم‌های تصمیم‌یار یا نظارت عمومی بر فرایندهای دیجیتال وجود ندارد. تجربه سامانه‌هایی مانند اعتبارسنجی معلمان، سجام بورس یا پایگاه رفاه ایرانیان نشان می‌دهد تصمیمات صادره اغلب فاقد توضیح رسمی و دلایل روشن‌اند و شهروندان راهی مؤثر برای اعتراض ندارند. در نتیجه، نظام حقوقی ایران در مرز میان «دولت الکترونیک» و «حکمرانی داده‌محور» متوقف مانده است. با وجود گسترش ابزارهای فناورانه، هنوز حقوق شهروند در برابر تصمیم داده‌محور تعریف نشده و هیچ ساختار مستقلی برای پاسخ‌گویی اداری به تصمیمات فناورانه شکل نگرفته است.

تا زمانی که «حق اعتراض مؤثر»، «حق دانستن منطق تصمیم»، «بازنگری انسانی» و «شفافیت داده‌محور» به‌صورت الزام قانونی و نهادی در ساختار حقوق عمومی کشور استقرار نیابد، نمی‌توان از مشروعیت حقوقی تصمیمات اداری دیجیتال سخن گفت. حکمرانی هوشمند، در غیاب شفافیت و مسئولیت‌پذیری، نه‌تنها به عدالت اداری نمی‌انجامد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بی‌اعتمادی و تبعیض فناورانه شود.

٦. راهکارهای پیشنهادی برای تضمین مشروعیت حقوقی تصمیمات اداری الگوریتمی در ایران

در واپسین بخش این نوشتار، متناسب با چالش‌ها و کاستی‌های شناسایی‌شده، مجموعه‌ای از راهکارهای تقنینی، نهادی و فرهنگی برای ارتقای مشروعیت تصمیمات اداری داده‌محور در نظام حقوق عمومی ایران پیشنهاد می‌شود. این پیشنهادها بر مبنای این فرض شکل گرفته‌اند که دولت ایران هنوز در مرحله‌ی گذار از «دولت الکترونیک» به «دولت داده‌محور» قرار دارد و اغلب سامانه‌ها در سطح تصمیم‌یار فعالیت می‌کنند، نه تصمیم‌گیرنده‌ی نهایی.

٦-١. تدوین مقررات خاص در زمینه تصمیمات خودکار اداری

فقدان چارچوب قانونی مشخص درباره تصمیمات داده‌محور، مهم‌ترین خلأ مشروعیت در دولت دیجیتال است. قانون‌گذار هنوز جایگاه «قدرت الگوریتمی» را به‌عنوان پدیده‌ای با آثار حقوقی مستقیم تعریف

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

نکرده و ازاین‌رو، تصمیمات ناشی از سامانه‌ها از نظارت عمومی و سازوکار پاسخ‌گویی مستثنا مانده‌اند. ضرورت دارد که در چارچوب لایحه قانون جامع اداری یا از طریق اصلاح قوانین موجود، مقرراتی به تنظیم تصمیمات داده‌محور اختصاص یابد. این مقررات باید ضمن تعریف مفاهیم کلیدی همچون «تصمیم نیمه‌خودکار»، «سامانه تصمیم‌یار» و «الگوریتم حاکمیتی»، اصول بنیادین حاکم بر آن را تعیین کند: شفافیت، قابل اعتراض بودن، بازنگری انسانی و مسئولیت‌پذیری مقام اداری در برابر تصمیم. این قواعد نباید به‌صورت قانون مجزا وضع شوند، بلکه باید در قالب فصل یا باب جدیدی در لایحه جامع اداری ادغام گردند تا انسجام نظام اداری حفظ شود.

۶-۲. الزام قانونی به افشای منطق تصمیم‌سازی الگوریتمی

اصل «توضیح‌پذیری»[1] از ارکان مشروعیت در تصمیمات الگوریتمی است. در ایران، نه تنها الزامی برای افشای منطق تصمیم‌سازی وجود ندارد، بلکه شهروندان غالباً از سازوکارهای داده‌ای که بر نتایج اداری تأثیر می‌گذارند، بی‌اطلاع‌اند. بنابراین لازم است در مقررات هر دستگاه اجرایی، الزام صریح به افشای منطق تصمیم‌سازی گنجانده شود. این الزام باید شامل متغیرهای اثرگذار، وزن‌دهی شاخص‌ها، نقش داده‌های خام، میزان مداخله انسانی، و مسیر بازنگری باشد. به‌علاوه، هر شخص ذی‌نفع باید حق داشته باشد از دولت بخواهد توضیح قابل فهم از تصمیم دریافت کند؛ توضیحی که فراتر از خروجی عددی یا پیام سامانه باشد و منطق تصمیم را روشن سازد. تنها از این مسیر است که رابطه قدرت به رابطه گفت‌وگو بدل می‌شود.

۶-۳. اصلاح آیین دادرسی دیوان عدالت اداری برای شناسایی تصمیمات ماشینی

نظام دادرسی اداری فعلی، بر پایه فرض وجود مقام انسانی تصمیم‌گیرنده شکل گرفته است. درحالی‌که در بسیاری از موارد، خروجی سامانه‌های هوشمند مبنای تصمیم نهایی قرار می‌گیرد، اما فاقد امضا یا مستند رسمی است. برای رفع این تعارض، آیین دادرسی دیوان عدالت اداری باید بازنگری شود تا تصمیمات داده‌محور فاقد امضا نیز در حکم تصمیمات اداری قابل شکایت محسوب شوند. دیوان باید اختیار داشته باشد از دستگاه صادرکننده، توضیحات فنی درباره منطق تصمیم، داده‌های مورد استفاده و مدل پردازشی را مطالبه کند. تشکیل هیئت مشاور الگوریتمی متشکل از متخصصان حقوق، داده و آمار در کنار قضات

1. Explainability

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

می‌تواند ابزار لازم برای تحلیل فنی این تصمیمات را فراهم کند. چنین اصلاحی، اقتدار قضایی را به حوزه‌ای بازمی‌گرداند که در حال حاضر تحت سلطه ابهام فنی قرار گرفته است.

٦-٤. تأسیس نهاد مستقل نظارت بر عدالت و شفافیت الگوریتمی

تجربه نظام‌های پیشرو نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی فناورانه تنها با ابزارهای قضایی محقق نمی‌شود؛ بلکه نیازمند نهادهای مستقل و چندتخصصی است که وظیفه ارزیابی، هشدار و نظارت پیشینی را برعهده گیرند. ایجاد نهادی مستقل با صلاحیت ارزیابی، صدور گواهی انطباق و دریافت شکایات عمومی، می‌تواند حلقه مفقوده تنظیم‌گری در این حوزه را تکمیل کند. این مرکز باید بر اصول استقلال، شفافیت، همکاری با قوه قضاییه و پاسخ‌گویی عمومی استوار باشد و سامانه‌هایی همچون *پایگاه رفاه ایرانیان*، *سامانه مالیات* و *درگاه ملی مجوزها* را زیر پوشش نظارت خود قرار دهد.

٦-٥. تدوین منشور کرامت انسانی در دولت دیجیتال و آموزش کارمندان دولتی

هیچ اصلاح نهادی بدون تغییر در فرهنگ سازمانی دولت به نتیجه نمی‌رسد. مشروعیت حقوقی در دولت دیجیتال، پیش از آن‌که محصول قانون‌گذاری باشد، نتیجه نحوه درک قدرت از سوی بدنه اجرایی است. کارمندی که خروجی سامانه را بی‌چون‌وچرا اجرا می‌کند، بدون آن‌که به حق اعتراض یا توضیح‌خواهی شهروند آگاه باشد، خود به عامل نقض کرامت انسانی بدل می‌شود. تدوین «منشور کرامت دیجیتال در حکومت» می‌تواند گام راهبردی در نهادینه‌سازی این فرهنگ باشد؛ منشوری که بر حق دانستن، حق پرسش، حق اعتراض و حق شنیده‌شدن در فضای دیجیتال تأکید دارد. در کنار آن، آموزش‌های تخصصی در زمینه «حقوق عمومی دیجیتال» برای مدیران و کارکنان دولت باید اجباری شود تا اصول کرامت و پاسخ‌گویی در بطن اجرا نهادینه گردد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

نتیجه‌گیری

تصمیم اداری، در منظومه حقوق عمومی، نه صرفاً اقدامی فنی، بلکه بازتابی از نسبت میان اقتدار دولت و منزلت فرد است؛ نسبتی که تنها در پرتو شفافیت، مسئولیت‌پذیری و امکان اعتراض مشروعیت می‌یابد. ورود فناوری‌های داده‌محور به فرایندهای اداری، این نسبت کلاسیک را دگرگون کرده است. تصمیمات دیگر صرفاً به‌دست مأموران انسانی اتخاذ نمی‌شوند، بلکه در تعامل میان انسان و سامانه‌های تصمیم‌یار شکل می‌گیرند؛ تعاملاتی که در صورت فقدان چارچوب حقوقی روشن، می‌توانند مرز میان قدرت مشروع و اقتدار بی‌چهره را مخدوش سازند.

تحلیل نظری و تطبیقی مقاله نشان داد که در نظام‌های پیشرو، تلاش بر آن بوده است که اقتدار فناورانه در درون نظم حقوقی مهار شود، نه در بیرون از آن. فرانسه با الزام افشای منطق تصمیم‌سازی الگوریتمی، آلمان با تداوم نظارت انسانی بر تصمیمات داده‌محور و اتحادیه اروپا با الگوی خطرمحور در قانون هوش مصنوعی، هر یک کوشیده‌اند تا میان کارآمدی فناورانه و مشروعیت حقوقی توازن برقرار کنند. این تجربه‌ها آشکار می‌سازند که مشروعیت، حتی در عرصه فناوری، نه از دقت محاسباتی، بلکه از قابلیت فهم، نظارت‌پذیری و اعتراض‌پذیری سرچشمه می‌گیرد.

در تحلیل وضعیت ایران روشن شد که نظام حقوقی کشور هنوز نسبت روشنی با اقتدار داده‌محور نیافته است. سامانه‌هایی مانند *پایگاه رفاه ایرانیان*، *درگاه ملی مجوزها* یا *سامانه مالیات* در حالی تصمیمات پراثر بر زندگی شهروندان را تولید می‌کنند که هیچ الزام قانونی برای شفاف‌سازی منطق آن‌ها یا فراهم‌کردن امکان اعتراض مؤثر وجود ندارد. نهادهای نظارتی از جمله دیوان عدالت اداری نیز، به سبب فقدان مقررات خاص، در ورود ماهوی به این تصمیمات ناتوان‌اند. بدین‌سان، میدان تصمیم‌گیری عمومی در معرض انتقال تدریجی از اراده انسانی به سازوکارهای داده‌ای قرار گرفته، بی‌آن‌که سازوکارهای مشروعیت و پاسخ‌گویی متناسب با آن بازتعریف شود.

بر این مبنا، یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که مشروعیت حقوقی در دولت داده‌محور تنها زمانی حفظ می‌شود که تصمیمات الگوریتمی در چارچوب حقوق عمومی، با سه رکن بنیادین شفافیت، بازنگری انسانی و کرامت فردی تنظیم شوند. غیبت این ارکان، خطر خروج بخشی از اقتدار اداری از مهار حقوقی را در پی دارد؛ خطری که نه در آینده‌ی دور، بلکه در تصمیمات روزمره اداری قابل مشاهده است.

راهکارهای ارائه‌شده در مقاله از تدوین مقررات خاص برای تصمیمات داده‌محور، اصلاح آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تأسیس نهاد مستقل نظارت بر عدالت فناورانه، تا تدوین منشور کرامت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

دیجیتال در مجموع بر آن‌اند که حتی در عصر داده، تصمیم عمومی باید در معرض گفت‌وگو، توضیح و اعتراض باقی بماند. مشروعیت، در نهایت، نه از الگوریتم بلکه از پاسخ‌گویی به شهروندان ناشی می‌شود.

دولت دیجیتال، اگر از گفت‌وگو تهی شود، به «دولت خاموش» بدل می‌گردد. دولتی که می‌بیند و می‌سنجد، اما نمی‌شنود و توضیح نمی‌دهد. هدف این مقاله آن بود که این خاموشی را از منظر حقوق عمومی واکاوی کند و نشان دهد که آینده مشروعیت در دولت دیجیتال، در گرو پیوند دوباره میان عقلانیت فنی و کرامت انسانی است. این مسیر، نیازمند تداوم گفت‌وگوی میان جامعه حقوقی، سیاست‌گذاران و مهندسان فناوری است تا از دل آن، الگویی بومی برای مشروعیت در حکمرانی دیجیتال ایران پدید آید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

فهرست منابع

انصاری، باقر (۱۴۰۱). «مطالعه حقوقی تبعیض الگوریتمی»، *دانش حقوق عمومی*، شماره ۳۸

ایزدی، مصطفی؛ بک‌زاده باغان، رضا؛ دستکزار، امید (۱۴۰۳). «هوش مصنوعی در نظام اداری ایـران: چالش‌هـا و راهکارها». مجموعه مقالات «بیستمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران»، تهران.

مرادی برلیان مهدی، تنگستانی محمدقاسم (۱۴۰۲). «الگوریتم و حقـوق اداری؛ چالش‌هـا و راهکارهـا.»، *حقـوق اداری*، شماره ۳۴.

پروین, خیراله و فیروزی, مهدیه . (۱۴۰۱). «شفافیت در امور عمومی به‌مثابهٔ راهکار جلب اعتماد عمومی بـا تأکیـد بر نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، دوره ۵۲، شماره ۲

Bundesbeauftragte für den Datenschutz und die Informationsfreiheit (BfDI). (2018). *Tätigkeitsbericht 2018 – Künstliche Intelligenz und Verwaltungstransparenz.* Bonn: BfDI. Tätigkeitsbericht 2017–2018 – PDF

Bundesbeauftragte für den Datenschutz und die Informationsfreiheit (BfDI). (2018). *27. Tätigkeitsbericht – Künstliche Intelligenz und Verwaltungstransparenz.* Bonn: BfDI, pp. 42–43. https://www.bfdi.bund.de/SharedDocs/Publikationen/Taetigkeitsberichte/TB_BfDI/27TB_17_18.pdf

Buttarelli, G. (2018). *Towards a Digital Ethics: Data, Dignity and Technology.* Brussels: European Data Protection Supervisor (EDPS).

CADA. (2017a). *Avis n° 20171359 du 25 mai 2017 relatif à la communication d'un code source utilisé par une administration.* Paris: Commission d'accès aux documents administratifs. Retrieved from https://cada.data.gouv.fr/20171359

CADA. (2017b). *Avis n° 20170478 du 14 septembre 2017 concernant l'accès à la logique des traitements algorithmiques utilisés par l'administration.* Paris: CADA. Retrieved from https://cada.data.gouv.fr/20170478

Calo ،R. & Citron ،D. K. (2021). The Automated Administrative State: A Crisis of Legitimacy. *Emory Law Journal*, 70(4), 797–846.

Charter of Fundamental Rights of the European Union. (2012). Official Journal of the European Union, C326/391. Retrieved from: https://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX:12012P/TXT

CNIL. (2018). *Annual Activity Report*. Commission Nationale de l'Informatique et des Libertés. Retrieved from: https://www.cnil.fr/

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

Conseil d'État, 10 mars 2020, M. A... c/ Ministre de l'Enseignement supérieur, n° 427916, ECLI:FR:CECHR:2020:427916.20200310.
Conseil d'État. (2019, June 12). *M. A… c/ Ministre de l'Enseignement supérieur* (n° 427916, ECLI:FR:CECHR:2019:427916.20190612). Retrieved from https://www.conseil-etat.fr/fr/arianeweb/CE/decision/2019-06-12/427916
Delmas-Marty, M. (2017). *Aux quatre vents du monde: petit guide de navigation sur l'océan de la mondialisation*. Paris: Seuil.
Eubanks, V. (2018). *Automating Inequality: How High-Tech Tools Profile, Police, and Punish the Poor*. St. Martin's Press.
European Data Protection Board (EDPB). (2020). Guidelines 05/2020 on Consent under Regulation 2016/679. Retrieved from: https://edpb.europa.eu/
European Parliament. (2023). *Artificial Intelligence Act*. Retrieved from: https://artificialintelligenceact.eu/
Floridi, L. (2014). *The Fourth Revolution: How the Infosphere is Reshaping Human Reality*. Oxford: Oxford University Press.
General Data Protection Regulation (GDPR). (2016). Regulation (EU) 2016/679. Official Journal of the European Union. Retrieved from: https://eur-lex.europa.eu/eli/reg/2016/679/oj
Hildebrandt, M. (2020). *Law for Computer Scientists and Other Folk*. Oxford University Press
Kühling, J., & Seidel, K. (2017). *Transparenzpflichten bei algorithmischen Verwaltungsentscheidungen. NVwZ 2017*(12), 875–881. doi:10.1628/NVwZ-2017-875
Ministère de l'Action et des Comptes publics. (2018). *Expérimentation de l'intelligence artificielle dans la lutte contre la fraude fiscale.* Paris: DGFiP. https://www.economie.gouv.fr/
O'Neil, C. (2016). *Weapons of Math Destruction: How big data increases inequality and threatens democracy*. Crown.
Rousseau, D. (2016). *La République numérique*. Paris: Seuil.
Sartor, G. (2020). *Algorithmic Decision-Making and the Law.* Oxford: OUP, pp. 133–135.
Veale, M., & Edwards, L. (2018). *Clarity, surprises, and further questions in the Article 29 Working Party draft guidance on automated decision-making and profiling*. *Computer Law and Security Review, 34*(2), 398–? https://doi.org/10.1016/j.clsr.2017.12.002

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]
[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]

Verwaltungsgericht Wiesbaden. (2017, Feb 28). *Urteil vom 28. Februar 2017 – 6 K 1493/16.WI.* Wiesbaden Administrative Court, Germany. Reported in *Neue Zeitschrift für Verwaltungsrecht (NVwZ 2017, S. 875)*.

VG Wiesbaden. (2017, February 28). *6 K 1493/16.WI (Hochschulstart Case).* Wiesbaden Administrative Court, Germany.

Wachter, S., & Mittelstadt, B. (2018). A right to reasonable inferences: Re-thinking data protection law in the age of big data and AI. Columbia Business Law Review, 2019(2), 494–620. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3248829

Wachter, S., Mittelstadt, B., & Floridi, L. (2017). Why a Right to Explanation of Automated Decision-Making Does Not Exist in the General Data Protection Regulation. *International Data Privacy Law*, 7(2), 76–99. https://doi.org/10.1093/idpl/ipx005

Wischmeyer, T., & Rademacher, T. (2020). Regulating Artificial Intelligence in the European Union. *Common Market Law Review*, 56(5), 1171–1200.

Wischmeyer, T., & Rademacher, T. (Eds.). (2019). *Regulating Artificial Intelligence*. Springer.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-26]

[DOI: 10.66224/qjal.13.44.27]